

سنخ‌شناسی نقدهای امام خمینی (ره) به محقق نائینی (ره)

احمد مبلغی^۱

احمد رضا خسروی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

تاریخ تایید: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱



چکیده

پژوهش حاضر با عنوان سنخ‌شناسی نقدهای امام خمینی به محقق نائینی در راستای بررسی و مقایسه شیوه اجتهادی این دو اصولی به نگارش درآمده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی توصیفی نگاشته شده است. در این تحقیق نقدهای امام خمینی به سه سنخ تقسیم گردیده است: ۱- نقدهای برخاسته از خواستگاه اعتبارات عقلا به اعتبارات عقلا؛ ۲- نقدهای برخاسته از عدم دقت در به کارگیری اصطلاحات فلسفی؛ ۳- نقدهای تحلیلی رایج. بررسی سنخ نقدها باعث تبیین و شناختی بهتر از اندیشه محقق نائینی، مدرسه و مکتب وی می‌گردد.

در این پژوهش سنخ نخست به صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفت و روشن گردید که امام خمینی با داشتن نگاه خاصی به اعتبارات عقلایی، تعاملی منبع گونه با سیره عقلا داشته و از این رهگذر انتقادات بسیاری را متوجه محقق نائینی کرده است. همچنین تفاوت‌هایی در برخی موضوعات بین محقق نائینی و امام خمینی وجود دارد که با توجه به ظرفیت و مجال این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت. موضوعاتی مانند: ارجاع سایر ادله به ارتکازات و سیره عقلا، تبیین ماهیت امضاء شارع و کیفیت تبعیت از سیره عقلا.

کلید واژه‌ها

نائینی، امام خمینی، سیره عقلا، نقدهای امام خمینی، اعتبارات عقلا، امضاء شارع، منبع اصولی، تبعیت از سیره عقلا.

۱. استاد درس خارج حوزه علمیه ahmadmoballeghi@gmail.com

۲. محرز، دبیر علمی گروه اصول فقه مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) a.r.khosravi.313@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعات پژوهشی مهم و کارآمد، پژوهش پیرامون روش‌شناسی است. اندیشمندان و صاحب نظران در علوم مختلف از روش‌های مشخص و منظمی بهره می‌برند. اهمیت روش‌شناسی روشن‌تر از آن است که نیاز به اثبات داشته باشد؛ اما برای انعکاس اهمیت این موضوع، برخی کاربردها و فوائد روش‌شناسی مورد اشاره قرار می‌گیرد. روش‌شناسی سبب ایجاد فهمی عمیق‌تر و شناختی بهتر از نظریات و مطالب اندیشمند می‌گردد. روش‌شناسی در واقع نوعی اکتشاف دستگاه فکری یک اندیشمند در زوایای پنهان اندیشه‌های خردی است که در مسائل مختلف طرح نموده است.

در حقیقت بررسی دستگاه اندیشه‌ورز یک اندیشمند، می‌تواند به کشف و شناخت مرکز تولید اندیشه و نظریه بینجامد. روشن است که شناخت سبک‌های مختلف اندیشه‌ورزی، می‌تواند در انجام مقایسه‌ای دقیق بین تفکرات متأثر از یک یا چند روش و سبک اندیشه‌ورزی، بسیار راه‌گشا باشد.

روش‌شناسی در تجزیه، تحلیل و مقایسه نظریات به عنوان محصول نهایی دستگاه تولید اندیشه، بسیار اثرگذار است. قضاوت بین نتایج اندیشه‌های مختلف آنگاه به عدالت و واقعیت نزدیکتر است، که سیر تفکر و منشا بروز نتایج نیز در نظر گرفته شود. تحلیل و انتقاد نسبت به نظریات یک اندیشمند بدون شناخت دستگاه تفکری وی، انتقاد و تحلیلی سطحی است؛ اگر خطا نباشد.

یکی دیگر از کاربردهای روش‌شناسی، شناخت مکتب و مدرسه اندیشمند است. علما و صاحب نظران بر اساس مبانی و دستگاه اندیشه‌ای که دارند، در مکاتب و مدارس گوناگونی قرار می‌گیرند. بررسی و شناخت روش اندیشه یک اندیشمند، پی‌بردن به مکتب وی را آسان می‌سازد.

محقق نائینی از جمله فقیهان و اصولیون صاحب نظری است که دارای روش تفکر و سبک اندیشه‌ورزی منحصر به خود است. بزرگی شخصیت و عظمت علمی این اصولی بزرگ برجسته بر کسی پوشیده نیست. صاحب نظران و اندیشمندان همواره نظریات



محقق نائینی را به عنوان یکی از نظریات قوی، قابل اعتنا و اصلی در اصول (گاه در فقه) مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. از جمله فقیهان و اصولیونی که با توجه ویژه‌ای به تعمق در نظریات محقق نائینی پرداخته، امام خمینی است. ایشان با دقت نظر و ژرف اندیشی، همواره نظریات محقق نائینی را طرح و مورد انتقاد قرار می‌دهد. از آنجایی که امام خمینی خود دارای مکتب و روشی منحصر به فرد است، تقابل آراء این دو اصولی بزرگ، تقابل دو مکتب و مدرسه است.

دقت در شیوه مواجهه امام خمینی با نظریات محقق نائینی نشان می‌دهد که بسیاری از این انتقادات، روشمند و برخاسته از مکتب اصولی ایشان است. از این رو در نظر راقم این سطور ضروری آمد که به روش‌شناسی نقدهای امام خمینی به محقق نائینی پرداخته و سنخ‌نقدهای ایشان به نظریات محقق نائینی را مورد بررسی و کاوش قرار دهد. بررسی سنخ‌نقدها در تبیین شناختی بهتر از اندیشه نقد شونده و حتی مدرسه و مکتب وی بسیار مؤثر است. همچنان که نسبت به تحصیل شناخت بهتر از تفکر و مدرسه ناقد نیز تاثیر گذار خواهد بود. از خلاءهایی که در مواجهه با آراء اصولیون وجود دارد، عدم توجه به مکتب و مدرسه‌ای است که در واقع منشا تولید آراء و نظریات است. این موارد در تولید یک نظریه نقشی تاثیر گذار ایفا می‌کند و به همین دلیل بررسی آن بسیار مهم است؛ البته همه اصولیون دارای مکتب و مدرسه نبوده و برخی از آنها به نوعی تابع دیگران محسوب می‌شوند؛ اما در این میان شخصیت‌های بزرگی وجود دارند که دارای مکتب یا شبه مکتب هستند.

بررسی یک مکتب از این جهت نیز حائز اهمیت است که شناخت دستگاه اندیشه و تفکر شخصیت‌های متأثر از مکتب را به دنبال خواهد داشت. همچنین مقایسه بین مکاتب و مدارس مختلف و انتخاب مکتبی نیرومندتر از رهگذر شناخت مکاتب می‌گذرد و یکی از راه‌های شناخت مکاتب و مدارس مختلف، بررسی سنخ‌نقدهایی است که از سوی اندیشمندان یک مکتب، در نقد مکتبی دیگر بیان گردیده است؛ البته باید دقت داشت که انتخاب یک مکتب به معنی پذیرش تمام نظریات منتسب به آن





مکتب نیست؛ بلکه ممکن است صاحب نظران یک مکتب را بر اساس مبانی پذیرفته شده در همان مکتب مورد نقد قرار داد.

بنابراین، انتخاب مکتب در چگونگی شیوه تفکر و تولید نظریه اصولی، بسیار مؤثر بوده و دسترسی به ایراد نقد نسبت به دیگر مکاتب و انظار را آسان کرده و اساساً دستیابی به اجتهاد را سرعت می‌بخشد؛ البته ضمن توجه به اهمیت و ضرورت مکتب شناسی و فوائد مترتب بر آن، باید توجه داشت که دستیابی به آن بسیار دشوار و سخت است و چنانچه بیان گردید یکی از راه‌های شناخت یک مکتب، شناخت سنخ نقدهای مطروحه از سوی صاحب نظران آن مکتب به دیگر مکاتب است.

امام خمینی نقدهای بسیاری را در بحث‌های مختلف به محقق نائینی متوجه کرده است. این نقدها بیشتر در دروس خارج مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد؛ اما تحقیق پیش رو به دنبال شناسایی سنخ نقدهای مطرح شده از سوی امام خمینی به محقق نائینی است؛ البته بیان امثله برای تبیین بهتر مطالب گریز ناپذیر خواهد بود.

از آنجا که بررسی سنخ نقدها با وجود اهمیت آن، کمتر مورد توجه قرار گرفته، موضوعی جدید و حرکت نوپایی است که می‌توان آن را نسبت به بسیاری از فقیهان و صاحب نظران پیگیری نمود. به عنوان نمونه می‌توان به سنخ شناسی نقدهای محقق عراقی به محقق نائینی، نقدهای محقق نائینی به آخوند خراسانی و... اشاره کرد. به نظر می‌رسد، مراکز علمی در آینده به این موضوع گرایش بیشتری پیدا خواهد کرد و به سوی نقدهای مبتنی بر مکتب حرکت خواهد نمود.

۱. تقسیم نقدهای امام خمینی

نقدهای امام خمینی به محقق نائینی را می‌توان به سه سنخ تقسیم کرد:

۱- تقسیم نقدهای برخاسته از دیدگاه امام خمینی به اعتبارات عقلا: این سنخ نقدها، دارای جنبه‌های مختلف و مصادیق بسیاری است؛ به صورتی که می‌توان تعداد زیادی از نقدهای امام خمینی به محقق نائینی را در این قسم قرار داد. بدیهی است که در صورت

پذیرش نظریه اعتباریات امام خمینی، نقدهای مطرح شده از این خاستگاه نیز باید مورد پذیرش قرار گیرد.

۲- نقدهای برخاسته از عدم دقت در به کارگیری اصطلاحات فلسفی: شکی نیست که امام یک فیلسوف اصولی است و تبحر ایشان در این زمینه با سایر محققین قابل مقایسه نیست. این نکته در مورد علامه طباطبایی نیز وجود دارد. استفاده صحیح از اصطلاحات به خصوص اصطلاحات پیچیده و عمیق فلسفی بسیار با اهمیت است. روشن است که ارائه تعریفی نادرست از یک اصطلاح فلسفی و استوار ساختن رایی بر اساس آن، منجر به مخدوش گردیدن استنتاجات و ثمرات مترتب بر آن خواهد گردید. برخی از انتقادات امام خمینی از این خاستگاه مطرح گردیده است.

۳- نقدهای تحلیلی رایج: سومین سنخ از نقدهای امام خمینی، نقدهای رایجی است که اصولیون نسبت به دیدگاه‌های مختلف با ارائه تحلیل‌های متفاوت، به نقد نظریات و تحلیل‌ات یکدیگر می‌پردازند.

در این نوشتار به دلیل اهمیت ویژه سنخ نخست و گستردگی دامنه آن صرفاً به بررسی سرفصل‌هایی از سنخ نخست پرداخته خواهد شد و تحلیل و بررسی سایر اقسام به فرصت‌های دیگری موکول می‌گردد.

۱/۱. نقدهای برآمده از نظریه‌ای ویژه در خصوص اعتبارات عقلا

امام خمینی نقدهایی را از رهگذر دیدگاه ویژه خود در خصوص اعتبارات عقلا به محقق نائینی متوجه کرده است. بررسی و شناخت نظریه امام خمینی در اعتبارات عقلا بسیار مفید و ضروری است. مقدمتاً باید اذعان داشت که تا کنون بحثی مستقل و مستوفی در مورد اعتبارات عقلا صورت نگرفته است؛ این در حالی است که شناخت این مقوله و نظریه امام خمینی پیرامون آن و شناخت و کاوش نظریه ایشان، به ارتقا سطح فهم و آگاهی اصولی منجر می‌شود و اندیشمند اصولی را در مسیر تولید انبوه قرار می‌دهد.

بحث را در دو فراز پی می‌گیریم:





۱. تبیین دیدگاه امام در اعتبارات عقلا
۲. ذکر نمونه‌هایی از نقدهای امام خمینی به نائینی، برخاسته از این خاستگاه

۱/۱/۱. تبیین دیدگاه امام در مورد اعتبارات عقلا

بهره‌گیری از اعتبارات عقلایی (اعم از ارتکازات و سیره‌های عقلایی) امری است که در اصول فقه، جایگاه برجسته‌ای به خود اختصاص داده است. امام خمینی نیز در این زمینه مانند دیگر اصولیین معتقد است که باید در دانش اصول فقه، بر اعتبارات عقلا تمرکز و تکیه شود و این امر مورد اقبال و پذیرش نسل جدید اصولیین واقع شده و به همین دلیل تکیه بر اعتبارات عقلایی (اعم از ارتکازات و سیره‌های عقلایی) بیش از پیش رواج یافته است. امام خمینی اعتبارات عقلا را تا سر حد مصدر و منبع اصولی ارتقا می‌دهد. مصادر و منابع مورد استناد و ارجاع در فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع. در بین منابع و مصادر فقهی، جایگاهی برای اعتبارات عقلا در نظر گرفته نشده و مستقلا مورد استناد و ارجاع قرار نمی‌گیرد؛ اگرچه سیره که یکی از اعتبارات عقلایی است به مثابه دلیل مورد استفاده قرار گرفته و به آن استناد می‌شود؛ اما اعتبار آن نیز برگرفته از سنت بوده و اساسا اعتبارات عقلایی همچون سیره و ارتکازات به علت نیازمندی به تقریر حجیت خود را از حجیت سنت می‌ستانند و به همین دلیل زیر مجموعه سنت قرار می‌گیرد.

بررسی سیاق کلام امام خمینی نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان، اعتبارات عقلا به عنوان مصدر و منبع اصولی مورد ارجاع و استناد واقع می‌شود. منبع و مصدر بودن اعتبارات عقلا به معنای عدم نیاز به امضاء شارع نیست؛ اما باید توجه داشت که تعریف ایشان از امضاء در این بحث با تعریف دیگران متفاوت است.

علامه طباطبایی نیز از جمله کسانی است که در این زمینه با امام خمینی هم‌رای است. ایشان با بیانی روان و شیوا در تعریف علم اصول چنین فرموده است: «علم الأصول هو العلم الباحث عن القواعد المقررة عند العقلاء لاستنباط الأحكام» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴). به عقیده ایشان نیز قواعد عقلایی دارای اهمیت ویژه‌ای است که علم اصول متکفل بحث از آن است.



در اندیشه امام خمینی، اعتبارات عقلا در کنار سایر منابع قرار گرفته و مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد. ایشان می‌گوید: «أكثر مدارك هذه المسائل موجود في الذكر الحكيم و الروايات المأثورة و المرتكزات الفطرية العرفية العقلانية» (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۷۰). در این عبارت ارتکازات فطری و عرفی عقلا، در کنار و در عداد کتاب و سنت که از منابع اصلی استنباط محسوب می‌شوند، قرار گرفته است. این دیدگاه دارای ثمرات مهمی در روند استنباط حکم شرعی است. برای توضیح و تبیین بیشتر دیدگاه ویژه امام خمینی نسبت به اعتبارات عقلایی و درک برخی جوانب آن بررسی آثار و ثمرات مترتب بر این دیدگاه بسیار مهم و حائز اهمیت است.

۱/۱/۲. آثار نگاه مصدرگونه به ارتکازات و سیره عقلا

مواجهه با سیره عقلا به عنوان یک منبع و مصدر قابل اتکا دارای آثار و ثمراتی است که بررسی این آثار در تبیین و تمایز هرچه بیشتر بین دو رویکرد مصدر گونه بودن سیره عقلا و رویکرد مقابل آن، بسیار تاثیر گذار خواهد بود. محقق نائینی از جمله اصولیونی است که بسیار به سیره عقلا رجوع کرده و سعی دارد بر سیل و مسلک ایشان گام بردارد؛ اما رویکرد ایشان خالی از منبع و مصدر دانستن سیره عقلا است. نقطه مقابل ایشان امام خمینی است که رجوع به سیره عقلا را با نگاهی منبع گونه دنبال می‌کند. از این رهگذر است که اختلافات و تمایزات بین دو فقیه آشکار شده و زمینه بروز انتقاد و اشکال را فراهم آورده است. در ذیل به برخی آثار و پیامدهای نگاه مصدر گونه به سیره عقلا خواهیم پرداخت.

۱/۱/۲/۱. ارجاع سایر ادله به ارتکازات و سیره عقلا

یکی از نتایج منبعت از نگاه مصدر گونه به سیره عقلا، ارجاع دیگر ادله به آن است. از آنجایی که در اندیشه امام خمینی سیره عقلا یکی از منابع به شمار می‌رود، در بسیاری موارد سایر ادله به سیره عقلا ارجاع داده می‌شود. در طرف مقابل چنین رویکردی در اندیشه محقق نائینی وجود ندارد و ایشان در مواجهه با سیره عقلا، فاقد چنین تعاملی است و سایر ادله را کنار سیره عقلا به عنوان دلیلی مستقل به رسمیت می‌شناسد که در

فراز دوم، نمونه‌هایی از نقدهای مربوط به این مورد و سایر موارد ذکر می‌گردد.

۱/۱/۲/۲. لزوم یا عدم لزوم تصریح شارع نسبت به امضا و تایید سیره عقلا

شکی نیست که سیره به خودی خود فاقد حجیت بوده و اعتبار آن تعبدی و شرعی است و به همین دلیل باید مورد تایید شارع قرار گیرد؛ اما سوال اساسی این است که آیا شارع باید صراحتاً تایید و امضای سیره را اعلان نماید یا اینکه برای امضاء و تایید شارع، عدم ردع کافی است.

امضاء شارع در اندیشه امام خمینی منوط به تصریح از طرف شارع نیست و این اندیشه نیز برخاسته از نگاه مصدر گونه امام خمینی به ارتکازات عقلایی است «فنفس عدم ردع الشارع یکفیی فی صحّتها و نفوذها...» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۴).

۱/۱/۲/۳. چیستی و ماهیت امضاء شارع

شناخت ماهیت امضاء شارع یکی از مباحث بسیار مهم است که به صورت جدی و مستقل طرح نشده و تنها نظرات نیم بند و شتابزده‌ای در این موضوع مطرح شده است. اهمیت این مسئله از آن جهت است که هم در اصول و هم در فقه احکام و قواعد بسیاری وجود دارند که با تمسک به امضاء شارع جایگاه و اعتبار پیدا می‌کنند. اگر ماهیت امضاء به صورت شفاف تبیین گردد و در ارتباط با آن اختیار مبنا شکل گیرد، تعامل ما در ارتباط با احکام و قضایای اصولی و فقهی ریل گذاری و مسیر یابی متناسب و شفاف و ویژه پیدا می‌کند. در کلمات امام خمینی ماهیت امضا محل توجه قرار گرفته است و دیدگاهی شفاف و متمایز را در این زمینه ارائه کرده است و به همین جهت دیدگاه‌های اصولی و فقهی ویژه‌ای را رقم زده است که در جای خود باید به آنها پرداخت.

به عقیده ایشان تایید شارع، صرفاً نوعی پذیرش از سوی شارع است و نباید امضاء و تایید به گونه‌ای تفسیر شود که در امر تایید شده (یعنی متعلق اعتبار عقلا) تصرف و تغییری پدید آید و یا خاستگاه اعتقاد به جعل و وضع حکم از سوی شارع در پیرامون آن گردد (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

در شرایطی که بسیاری از فقها و اصولیون از ادبیاتی همچون جعل حکم مماثل، تشریح





حکم امضایی و ... استفاده کرده تا ماهیت امضاء را مشخص کنند، امام خمینی به صراحت امضار را در ارتباط با بسیاری از امارات عقلایی چیزی جز عمل به آنها از سوی شارع نمی‌بیند. به تعبیر دیگر امضاء شارع، صرفاً به کارگیری از طرف شارع به حساب می‌آید نه آن که به وسیله امضاء، جعلی صورت گیرد و "حکم امضایی" ساخته شود. وی می‌فرماید: «وها هي الطرق العقلائية - مثل الظواهر، وقول اللغوي، وخبر الثقة، واليد، وأصالة الصحة فيفعل الغير - ترى أن العقلاء كافة يعملون بها من غير انتظار جعل وتنفيذ من الشارع، بل لا دليل على حجيتها بحيث يمكن الركون إليه إلا بناء العقلاء، وإنما الشارع عمل بها كأنه أحد العقلاء» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۶).

این، آن طرق عقلایی - مانند ظواهر، قول لغوی، خبر ثقه، قاعده ید و اصالت صحت در فعل دیگران - است که می‌بینید همه عقلاء به آن عمل می‌کنند بدون اینکه منتظر جعل و تنفیذی از ناحیه شارع باشد؛ بلکه دلیلی بر حجیت آن - به گونه‌ای که به آن تکیه شود - نیست مگر بنای عقلاء، و شاع جز این نیست که به آن عمل کرده است که گویی یکی از عقلاء است.

و نیز می‌فرماید: «ليس في باب الأمارات والطرق العقلائية الإمضائية غالباً حكم مجعول أصلاً، لا الحجية، ولا الوسطية في الإثبات، ولا الحكم التكليفي التعبدي وليس معنى الإمضاء هو إنشاء حكم إمضائي، بل الشارع لم يتصرف في الطرق العقلائية» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴). در باب امارات و طرق عقلایی امضایی، غالباً حکم مجعولی اساساً وجود ندارد، نه حجیت، نه وسطیت در اثبات و نه حکم تکلیفی تعبدی. منظور از امضا ایجاد حکم امضایی نیست، بلکه شارع در طرق عقلایی تصرف نکرده است.

امام خمینی این دیدگاه را به وضوح در برابر مرحوم دیدگاه‌های نائینی ذکر کرده است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۲۰۲-۲۰۴).^۱

۱- ما أفاده بعض محققى العصر رحمه الله على ما فى تقريرات بحثه ... و فيه أولاً: أنه ليس فى باب الأمارات و الطرق العقلائية الإمضائية غالباً حكم مجعول اصلاً ...



۱/۱/۲/۴. تبعیت از عقلا به وسیله استفاده از ابزار و روش متناسب برای فهم ارتکازات

و اعتبارات عقلایی

روشن است که پس از شناخت یک قاعده و اعتبار عقلایی است که می‌توان آن را در اصول فقه مورد استفاده قرار داد؛ اما مهم‌تر از بکارگیری اعتبار عقلایی، شناخت صحیح اعتبار و ارتکاز عقلایی است؛ به عبارت دیگر پیش از آن‌که یک معتبر (بنای عقلایی و ارتکاز عقلایی) به مثابه یک عنصر در روش استنباط به کار گرفته شود، ابتدا لازم است تلقی صحیحی از آن حاصل شود. درک و تلقی صحیح ارتکازات عقلایی در گروه استفاده از شیوه و روش صحیح برای دریافت معتبر و مرتکز عقلایی است.

به عقیده امام خمینی نباید از روش عقلی و فلسفی در تحلیل اعتبار عقلایی، استفاده شود؛ اگرچه سایر اصولیون نیز در تاسیس قواعد اصولی از اعتبارات و ارتکازات عقلایی استفاده می‌کنند؛ اما تفاوت در چگونگی تحلیل معتبر عقلایی است.

استفاده از دقت‌های عقلی در شناخت و تحلیل اعتبارات و ارتکازات عقلایی می‌تواند اصولی را از ارائه تحلیل صحیح منحرف نماید. بنابراین در مورد اعتبارات و ارتکازات عقلایی دو موضوع وجود دارد: نخستین موضوع که در اندیشه غالب اصولیون معاصر به چشم می‌خورد عدم تکیه بر دقت‌های عقلی است؛ بلکه باید تکیه قواعد اصولی، بر اعتبارات و ارتکازات عقلایی نهاده شود.

موضوع دوم که مورد تأکید اصولیونی همچون امام خمینی است، عدم استفاده از دقت‌های عقلی در تحلیل و درک ارتکازات و اعتبارات عقلایی است و این سخن چیزی فراتر و افزون‌تر از موضوع نخست است. بر این اساس تحلیل یک اعتبار، ارتکاز و قاعده عقلایی باید براساس نگاه عرفی و عاری از دقت‌های فلسفی و عقلی باشد.

۲. نمونه‌هایی از نقدهای امام خمینی به محقق نائینی

محقق نائینی از جمله کسانی است که استفاده از ارتکازات و اعتبارات عقلایی در آثار ایشان نمود ویژه‌ای دارد. می‌توان ایشان را جزء پیشگامان این عرصه به شمار آورد؛ چنانچه بیان گردید این امر به ایشان اختصاص نداشته و دیگر اصولیون از جمله امام



خمینی نیز مشی اصولی خود را بر ارتکازات عقلایی استوار ساخته‌اند؛ اما در مواردی بین امام خمینی و محقق نائینی تمایزاتی وجود دارد. بررسی آثار امام خمینی نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان، اعتبارات عقلا دارای جایگاه بسیار با اهمیتی است و این اهمیت منشا بروز انتقادات و اشکالاتی از سوی امام خمینی به محقق نائینی گردیده است. این در حالی است که از چنین نگاهی در کلام نائینی اثری نیست. تعامل محقق نائینی با اعتبارات عقلا و سیره، در فقه و اصول یکسان است؛ اگرچه در شیوه استنباطی محقق نائینی به کرات رجوع به سیره عقلا به چشم می‌خورد؛ اما ایشان رویکرد یکسانی به سیره عقلا در فقه و اصول داشته و در کلام ایشان از تعاملی مصدر گونه با سیره عقلا اثری وجود ندارد.

در ادامه نمونه‌هایی از این نقدها مورد تبیین قرار می‌گیرد:

۱/۲. ایراد نقد از خاستگاه ارجاع سایر ادله به اعتبارات عقلا

امام خمینی در عبارتی ابتدا کلام محقق نائینی را طرح نموده و سپس به نقد و بررسی آن پرداخته است. لازم به ذکر است که خواستگاه این انتقاد، نگاه منبع و مصدر گونه ایشان به سیره عقلا است؛ «أما ما أفاده رحمه الله في المقام: بعد اعترافه -بأنه من المحتمل قريبا رجوع سيرة المسلمين في الأمور الغير التوقيفية التي كانت تنالها يد العرف والعقلاء قبل الشارع، إلى طريقة العقلاء- بأن ذلك لا يضّر بالاستدلال بها، لكشفها عن رضا الشارع كما تكشف عنه طريقة العقلاء، غاية الأمر أنه في مورد اجتماعهما يكون من قبيل تعدد الدليل على أمر واحد، فتكون سيرة المسلمين من جملة الأدلة، كما تكون طريقة العقلاء كذلك.

ففيه ما لا يخفى، فإن سيرة المسلمين إذا رجعت إلى طريقة العقلاء لا تكون دليلا مستقلا، بل الدليل هو طريقة العقلاء فقط، وإنما تصير سيرة المسلمين دليلا لو قامت بما أنهم مسلمون، لا بما أنهم عقلاء كما في المقام. وبالجملة: لا تتعد سيرة المسلمين بما هم مسلمون مع رجوعها إلى طريقة العقلاء، فلا معنى لكونها دليلا كاشفا في مقابلها، وهذا واضح.» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۶).



در کلام محقق نائینی بیان گردیده است که اگر نسبت به یک موضوع سیره مسلمین و سیره عقلا وجود داشته باشد، هر دو دلیل قابل تمسک است؛ به گونه‌ای که وجود سیره عقلا تمسک به سیره مسلمین را مخدوش نمی‌کند.

امام خمینی رجوع به سیره مسلمین در جایی که بازگشت آن به سیره عقلا باشد را دلیل مستقلی ندانسته و تنها سیره عقلا را به عنوان دلیلی مستقل می‌پذیرد. نفی اعتبار دلالت سیره مسلمین از سوی امام خمینی بدان جهت است که سیره عقلا را در جایگاه برتر، فعالیت، اساسی‌تر و به تعبیری از جمله منابع اصولی می‌داند و بر این اساس هر دلیلی که به نوعی ذیل سیره و ارتکاز عقلا قرار گیرد را دلیلی مستقل به شمار نیاورده و به سیره عقلا ارجاع می‌دهد؛ حتی ایشان روایاتی که در حوزه سیره عقلا است را ارشادی می‌داند (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

به همین دلیل امام خمینی کلام محقق نائینی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و متذکر می‌گردد، در مواردی که سیره مسلمین قابل ارجاع به سیره عقلا باشد، نمی‌توان سیره مسلمین را به عنوان دلیلی مستقل محسوب نمود؛ بلکه اساساً سیره مسلمین شکل نخواهد گرفت؛ این در حالی است که محقق نائینی در چنین مواردی که سیره مسلمین ناشی از سیره عقلا است نیز به تعدد ادله قائل بوده و سیره مسلمین را در کنار سیره عقلا به عنوان دلیلی مستقل به شمار می‌آورد. این اختلاف بدان جهت است که در اندیشه محقق نائینی از نگاه منبع گونه به سیره عقلا اثری یافت نمی‌شود و به همین دلیل سایر ادله به سیره عقلا ارجاع داده نمی‌شود.

۱/۳. لزوم و عدم لزوم تصریح شارع به امضاء اعتبارات عقلا

محقق نائینی نسبت به معاملات بیان می‌دارد که تنها در صورت تصریح شارع می‌توان به مورد تایید بودن یک سیره حکم نمود؛ در مقابل امام خمینی لزوم تصریح را نفی می‌کند: «ثم إن هاهنا كلاما من بعض أعظم العصر رحمه الله (علی ما فی تقریرات بحثه): و هو أنه لا يحتاج في اعتبار الطريقة العقلية إلى إضفاء صاحب الشرع لها و التصريح باعتبارها، بل يكفي عدم الردع عنها، فإن عدم الردع عنها مع التمكن منه، يلازم

الرضا بها و إن لم يصرّح بالإمضاء. نعم، لا يبعد الحاجة إلى الإمضاء في باب المعاملات، لأنّها من الأمور الاعتباريّة التي يتوقّف صحتها على اعتبارها، و لو كان المعترف غير الشارع فلا بدّ من إمضاء ذلك و لو بالعموم و الإطلاق... و فيه: أنّ احتياج المعاملات إلى التصريح بالإمضاء- لكونها من الأمور الاعتباريّة- ممنوع، فإنّ اعتباريّةها لا تلازم احتياجها إليه، فنفس عدم ردع الشارع يكفي في صحتها و نفوذها...» (خميني، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۴).

محقق نائینی به این دلیل که عقلا اعتبار کنندگان در معاملات هستند، بیان می‌دارد که شارع در این امور لازم است تصریح به امضاء نماید؛ اگرچه تأیید و امضاء به وسیله عموماً و اطلاقات بیان شده باشد.

امام خمینی در نقطه مقابل این دیدگاه قرار دارد و صرف عدم ردع شارع برای امضاء و تأیید شارع را کافی دانسته و بیان می‌دارد بین اعتباری بودن معاملات و لزوم تصریح به امضاء هیچ تلازمی وجود ندارد.

۱/۴. تفاوت در تفسیر ماهیت امضاء شارع

در کلام محقق نائینی و بسیاری از اصولیون، امضاء و تأیید شارع به جعل حکم از سوی شارع تفسیر شده است. به عقیده این دسته از اصولیون، امضاء شارع در واقع نوعی جعل حکم محسوب می‌شود.

محقق نائینی امارات معتبر شرعی را همان امارات عقلایی مورد تأیید و امضاء شارع می‌داند و فرایند حجیت بخشی از سوی شارع به امارات را چنین تحلیل می‌نماید: «أنّ الحجية و الوسطية في الإثبات بنفسها ممّا تنالها يد الجعل بتتميم كشفها، فأنّه لا بد في الأمانة من أن يكون لها جهة كشف عن الواقع كشفا ناقصا، فللشارع تتميم كشفها و لو إمضاء بإلقاء احتمال الخلاف في عالم التشريع ... حقيقة المجمعول في باب الطرق و الأمارات و أنّ المجمعول فيها نفس الوسطية في الإثبات ...» (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۸). چنانچه عبارت گویا است، محقق نائینی امضاء شارع را نوعی جعل دانسته و مجعول را مواردی همچون وسطیت، الغاء احتمال خلاف و... عنوان می‌کند.





امام خمینی از این دریچه نیز کلام محقق نائینی را مورد انتقاد قرار می‌دهد: «أنه ليس في باب الأمارات و الطرق العقلائية الإيضائية غالبا حكم مجعول أصلا، لا الحجية، و لا الوسطية في الإثبات، و لا الحكم التكليفي التعبدي، كما قد عرفت سابقا و ليس معنى الإمضاء هو إنشاء حكم إمضائي...» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴). بر این پایه، تفسیری که ایشان از ماهیت تایید و امضاء شارع ارائه می‌دهد با آنچه از سوی محقق نائینی مطرح گردیده متفاوت است. امام خمینی بر اساس دیدگاه خود در مورد سیره عقلا، امضاء شارع را نیز به گونه دیگری تفسیر می‌نماید به عقیده ایشان تایید شارع، صرفا نوعی پذیرش از سوی شارع است و نباید امضاء و تایید به گونه‌ای تفسیر شود که در امر تایید شده تصرف و تغییری پدید آید (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

۱/۵. تبعیت از عقلا و به کار گیری روش متناسب برای فهم اعتبارات عقلا

دامنه پیامدهای نگاه مصدرگونه به سیره عقلا در موضوعات روشی نیز امتداد یافته و در این مباحث نیز تاثیر گذار است. یکی از موارد تمایز بین محقق نائینی و امام خمینی، روش فهم قاعده عقلانی است که می‌توان از آن با عنوان تبعیت از اعتبارات عقلا مشخص نمود. چنانچه بیان گردید و با توجه به مطالبی که در ادامه بیان خواهد شد، روشن می‌شود که این مسئله بیشتر یک بحث روشی است. شاید بتوان گفت تعداد نقدهای امام خمینی به محقق نائینی در این زمینه بیشتر از موارد قبل است. توجه به این موضوع برای کمک به روشن تر شدن تمایزگذاری بین مکتب امام خمینی و محقق نائینی حائز اهمیت است. برای درکی بهتر از عمق کلام امام خمینی و روشن تر شدن تمایز ایشان با محقق نائینی برخی از نقدهایی که امام خمینی از این خاستگاه به محقق نائینی متوجه کرده را بررسی می‌کنیم.

۱/۵/۱. تتمیم کشف

یکی از نظریاتی که از سوی محقق نائینی مطرح گردیده و مورد پذیرش ایشان قرار گرفته، نظریه تتمیم کشف است. تتمیم کشف در واقع پاسخی است به سوال از ماهیت و چیستی حجیت امارات که از دیرباز اصولیون را با چالش مواجه کرده است.

به عقیده محقق نائینی امارات شرعی همگی طرق عرفی و عقلایی هستند که عقلا برای نیل به مقاصد خود از آن بهره‌مند می‌شوند.

اندیشه محقق نائینی در مورد امارات بر این پایه استوار است که هیچ نوع اختراع و تاسیسی از سوی شارع در این زمینه صورت نگرفته است. شارع صرفا طرق و امارات عقلایی را تایید نموده و به عنوان حجت شرعی امضا کرده است؛ البته باید در نظر داشت که هر آنچه بین عقلا رایج است، مورد تایید شارع قرار نگرفته و برخی امور مانند قیاس از سوی شارع رد شده و به عنوان حجت شرعی مورد تایید قرار نگرفته است؛ اما تمامی طرقی که مورد تایید و امضای شارع قرار گرفته، عقلایی بوده و هیچ ابداع و تاسیسی وجود ندارد.

محقق نائینی با عقلایی دانستن امارات، نسبت به تفسیر و تبیین ماهیت حجیت اماره و چیستی مجعول در امارات بیان می‌دارد: «ان مقتضى التحقيق ان المجعول في باب الأمارات و الطرق ... انما هو المرتبة الثانية من العلم الطريقي و هي المحرزية و الوسطية في الإثبات» (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۷۵).

با توجه به عبارات محقق نائینی در این زمینه به روشنی می‌توان دریافت که ایشان در مورد امارات شرعی به مجعول بودن وسطیت در اثبات، محرزیت و... معتقد است. به عبارت دیگر اگرچه محقق نائینی امارات شرعی را عقلایی و عاری از هر نوع تاسیس می‌داند؛ اما در فرایند تایید و امضای امارات از سوی شارع موضوع مجعول بودن اموری مانند وسطیت، محرزیت و... را مطرح می‌کند. بر اساس این نظریه شارع ظن حاصل از امارات را متمیم نموده و علم تبعیدی پدید آورده است.

امام خمینی نیز امارات شرعی را همان امارات عقلایی مورد تایید و امضای شارع می‌داند؛ اما تفاوت ایشان با محقق نائینی در اندیشه تبعیت از عقلا است. امام خمینی بر اساس این اندیشه بیان می‌دارد، رجوع به سیره عقلا باید با تبعیت همراه بوده و خالی از تحمیل هر امری به سیره باشد.

رجوع به سیره باید به دور از نگاه‌های مغلوط و مشوش بوده و به گونه‌ای باشد که بتوان





سیره مورد نظر را به صورت صحیح تفسیر نمود؛ بدون اینکه امری به آن اضافه و تحمیل شود. این نوع مواجهه با سیره عقلا را می توان تبعیت نامید.

امام خمینی بر اساس همین دیدگاه، نظرات محقق نائینی را مورد انتقاد قرار می دهد. چنانچه بیان گردید، توجه به این نوع انتقادات در تمایز گذاری بین دو مکتب مورد نظر، بسیار اثرگذار خواهد بود.

امام خمینی می فرماید: «لیس إمضاء الشارع العمل بالأمارات مستتبعا لإنشاء حکم، بل مآله إلى عدم الردع و عدم التصرف في بناء العقلاء» (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۸۳). به عقیده ایشان امضاء و تایید ارتکازات عقلایی هیچ نوع جعلی را به دنبال ندارد و ارتکازات عقلا همان گونه که در سیره عقلا وجود دارد، بدون دخل و تصرف در شرع مورد امضاء قرار گرفته است.

به عبارت دیگر اینگونه نیست که ورود ارتکازات عقلایی در شریعت موجب رنگ باختن و دگرگونی آن شود؛ البته سخن در مواردی است که شارع آنچه بین عقلا وجود دارد را بدون انجام تغییراتی امضاء کرده باشد. در خصوص این موارد است که برخی فقیهان امضاء شارع را به جعل حکم و مواردی از این قبیل معنی کرده اند که موجب طرح انتقاداتی از سوی دیگر فقیهان از جمله امام خمینی شده است.

بر این اساس امام خمینی نسبت به برخی نظریات محقق نائینی خصوصا نظریه تتمیم کشف لب به انتقاد و مخالفت گشوده است: «أنَّ العمل بالأخبار كان أمراً مسلماً منذ قرون قبل الإسلام، منذ قام للإنسانية عمود التمدن» (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۳۵) ایشان عمل به خبر واحد را جزء امور مسلم، در قرون قبل از اسلام و حتی از آغاز پیدایش تمدن در جوامع انسانی می داند. بنابراین شارع تاسیسی در این زمینه انجام نداده است و تنها آنچه میان عقلا از دیرباز رایج و شایع بوده را امضاء نموده است.

امام خمینی با توجه به این پیشینه از امارات شرعی که بیان گردید، به نقد کلام محقق نائینی می پردازد: «و العجب: أنه قدس سره قد اعترف كراراً على أنه ليس للشارع في تلك الطرق العقلية تأسيس أصلاً، و لكنه قد أسس في تقريراته هذا البنیان الرفیع الذي لا

يخرج عن حيطة التصوّر إلى مقام آخر إلا بأدلة محكمة، وليست منها في الأخبار عين و لا أثر» (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۳۵).

ایشان با بیان این نکته که محقق نائینی خود معترف به عقلایی بودن امارات است، از طرح نظریه تتمیم کشف اظهار تعجب می کند و با تاسیسی دانستن این نظریه به تنافی میان مبنای محقق نائینی مبنی بر امضائی بودن امارات و نظریه تتمیم کشف اشاره می نماید. چنین به نظر می رسد که آنچه محقق نائینی در شریعت به عنوان امارات عقلایی منعکس نموده با چیزی که میان عقلا وجود دارد متفاوت است. هرچند محقق نائینی نیز از جمله کسانی است که دارای شعار رجوع به عقلا است؛ اما در رجوع به سیره عقلا از روشی استفاده می کند که به تحمیل امری به عقلا منتهی می گردد.

بر این اساس، به عقیده امام خمینی تتمیم کشف که از جمله نظریات پذیرفته شده از سوی محقق نائینی است، حاصل رجوع به سیره عقلا و تحمیل رای و نظر به عقلا است. ایشان در نقد کلام محقق نائینی چنین می فرمایند: «التزام جعل المؤدی منزلة الواقع تارة و التزام تتمیم الكشف و جعل الشارع الظنّ علما في مقام الشارعية و إعطاء مقام الإحراز و الطریقية له أخرى إنّها كلمات خطابیة لا أساس لها» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۸). به نظر امام خمینی اگرچه از سوی محقق نائینی مبنای رجوع به عقلا مورد پذیرش قرار گرفته و او خود را در سلک کسانی که به سیره عقلا توجه دارند، قرار داده؛ اما در واقع امری را به عقلا تحمیل کرده است.

به عبارت دیگر محقق نائینی در ظاهر به عقلا رجوع می کند؛ اما در واقع امری را به عقلا تحمیل می نماید. این امر از عدم استفاده از ابزار و روش متناسب برای فهم ارتکازات و اعتبارات عقلایی ناشی می شود که برداشت هایی همراه با دخل و تصرف در سیره عقلا را به دنبال دارد؛ زیرا عامل تبعیت از سیره عقلا به عنوان عاملی مهم در مواجهه با سیره عقلا مورد غفلت قرار گرفته و زمینه پیدایش چنین تصرفاتی را فراهم آورده است.

۱/۵/۲. مصلحت سلوکیه

بر اساس تبیین محقق نائینی از این نظریه، قیام اماره موجب ایجاد مصلحتی در سلوک





اماره بوده و این مصلحت غیر از مصلحتی است که در واقع و مؤدی وجود دارد و تغییری در مصلحت و مفسده واقعی ایجاد نمی‌شود؛ بلکه مصلحت در طی طریق، سلوک بر اساس اماره و تطبیق عمل بر مؤدی اماره نهفته است.

بر این اساس در فرض فوت مصلحت واقعی، مصلحت سلوکیه تدارک کننده و جبران کننده خواهد بود؛ «المصلحة إنما تكون في تطرق الطريق و سلوك الأمانة و تطبيق العمل على مؤداهها و البناء على أنه هو الواقع بترتيب الآثار المترتبة على الواقع على المؤدی، و بهذه المصلحة السلوكية يتدارك ما فات على المكلف من مصلحة الواقع بسبب قيام الأمانة على خلافه». (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۹۶-۹۵).

کلام محقق نائینی مورد انتقاد جدی امام خمینی قرار گرفته است. ایشان عقلایی بودن امارات را متذکر شده و بیان می‌کند، اماراتی که عقلا در رفع حوائج خود مورد استفاده قرار می‌دهند، فاقد هرگونه مصلحتی در سلوک است.

در بیان امام خمینی این امارات تنها طریقی به واقع بوده و صرفاً شأن ایصال به واقع دارد. علاوه بر این، شارع امارات را به عنوان اعتبارات عقلایی امضاء کرده است و نه چیزی به آن افزوده و نه کاسته است؛ «ولیس إمضاء الشارع لها إلا بما لها من الاعتبار العقلایی» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ۱۹۴). سخن امام خمینی در واقع انتقاد به چگونگی تحلیل اعتبارات عقلایی است. تحلیل محقق نائینی با استفاده از دقت‌های عقلی و فلسفی صورت گرفته و به عقیده امام خمینی این تحلیل صحیح نبوده و سخنی ناصواب است.

۳. نتیجه‌گیری

با دقت و تامل در نقدهای امام خمینی به محقق نائینی روشن شد که این نقدها در دسته‌ها و انواع معینی قرار گرفته و دارای جهت مشخصی هستند. بررسی هر یک از انواع نقدها، خود مبین سنخ مشخص و معینی از انتقاد است. بر این اساس و به صورت کلی نقدهای امام خمینی به سه سنخ تقسیم گردید. سنخ نخست، نقدهایی عنوان گردید که بر خاسته از دیدگاه امام خمینی به اعتبارات عقلا است که در غالب نگاه مصدر گونه به سیره عقلا، مورد بررسی قرار گرفت.



بر اساس این دیدگاه نحوه تعامل با سیره عقلا بسیار متفاوت بوده و از این رهگذر زمینه بروز انتقاداتی چند از سوی امام خمینی به محقق نائینی فراهم گردیده است. این رویکرد خود دارای آثار و پیامدهایی است که برخی از این آثار مورد بررسی قرار گرفت و نقدهای مربوط به این سنخ نیز خود به صنف‌های کوچکتری تقسیم گردید. پیامدها و آثار رویکرد منع گونه به سیره عقلا که مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از: ارجاع سایر ادله به ارتکازات و سیره عقلا، ارائه تحلیلی متفاوت از امضاء شارع و تبعیت از سیره عقلا. با دقت در کلام محقق نائینی و امام خمینی روشن گردید که هر دو اصولی نسبت به سیره عقلا دارای اهتمام و توجه ویژه‌ای هستند و با ارجاعات فراوان به سیره عقلا و مرتکزات عقلایی سعی دارند در مسیر قواعد متخذ از عقلا گام بردانند؛ اما در نوع مواجهه با سیره عقلا و استفاده از شیوه و روش استنباط، دارای تفاوت‌هایی هستند. محقق نائینی هنگام رجوع به سیره عقلا در مواردی آنچه بین عقلا وجود دارد را با تصرف و تغییر در حوزه شرع وارد می‌کند؛ اما در نطقه مقابل امام خمینی معتقد است امور عقلایی که مورد تایید شارع قرار گرفته است باید بدون هیچ تغییر و دخالتی، شرعی قلمداد شود.

برخی نظریات محقق نائینی مانند تتمیم کشف و تبیین مصلحت سلوکیه و... نیز مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که این نظریه با انتقاداتی از سوی امام خمینی مواجه است. این انتقادات نیز از رهگذر نگاه منبع گونه به سیره عقلا برخاسته و در صنف عدم تبعیت از سیره عقلا و عدم استفاده از ابزار و روش متناسب برای فهم ارتکازات و اعتبارات عقلایی جای می‌گیرد. همچنین تمایزاتی که در نوع تعامل محقق نائینی و امام خمینی با سیره عقلا وجود دارد نیز مشخص شد و تفاوت بین شیوه اجتهادی مکتب و مدرسه محقق نائینی با مکتب امام خمینی تا حدی مورد تبیین قرار گرفت.

والحمد لله رب العالمین

والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهیرین

منابع

۱. خمینی، روح اللّٰه. انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایه. چاپ دوم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). (۱۴۱۵ق).
۲. خمینی، روح اللّٰه. تهذیب الأصول. چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). (۱۴۲۳ق).
۳. طباطبایی، محمد حسین. حاشیه کفایه. چاپ اول. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی. (بی تا).
۴. نائینی، محمد حسین. أجود التقریرات. چاپ اول. قم: مطبعه العرفان. (۱۳۵۲).
۵. نائینی، محمد حسین. فوائد الأصول. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۷۶).

